

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه بیست و ششم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

«سورة مباركة يوسف»

آيات ٣-٢٢ از سورة مباركة يوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُحْنُ نَقْصٍ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ ﴿٣﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٤﴾ قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَاسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْمُسَائِلِينَ ﴿٧﴾ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَحْنُ عَصَبَةٍ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨﴾ اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا

يُوسُفَ وَالْقَوْهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنَّ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿١٠﴾

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ﴿١١﴾ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَزْتَعِ وَيَلْعَبَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذَا لَخَاسِرُونَ ﴿١٤﴾ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَ أَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهُمْ هَذَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَ جَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَ مَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَ لَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ وَ جَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَ جَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَ أَصْرُوهُ بِضَاعَةً وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَ شَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَ كَانُوا فِيهِ مِنْ الزَّاهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَ قَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِمَرْأَتِهِ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لِنُعَلِّمَهُ مِنْ

تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُجْزِي

الْحُسَيْنَ ﴿٢٢﴾

ترجمه آیات ۳-۲۲

«ما داستانی برای تو که نیکوترین داستانها است، در ضمن آنچه به تو از این قرآن وحی کرده‌ایم نقل می‌کنیم، اگر چه، تو قبل از این از غافلین بودی. (۳)

«زمانی که یوسف به پدرش گفت: ای پدر من، قطعاً من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه برای من سجده کردند. (۴)

پدرش گفت: ای پسر من، رؤیای خود را به برادرانت نگوئی که آن‌ها برای تو نقشه بدی می‌کشند. قطعاً شیطان برای انسان دشمن آشکاری است. (۵)

و اینگونه پروردگارت تو را انتخاب می‌کند و به تو تعبیر خوابها را تعلیم می‌دهد و نعمتش را بر تو و بر آل یعقوب تمام می‌کند، آنچنان که نعمتش را قبلاً بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد. قطعاً پروردگارت دانای حکیمی است. (۶)

محققاً در قصه یوسف و برادرانش (طالب) و نشانه‌هایی برای سائلین (و محققین) است. (۷) آن وقتی که پسران یعقوب گفتند: یوسف و برادرش محبوبتر از ما نزد پدرمان هستند و حال آنکه ما نیرومندیم. قطعاً پدرمان در گمراهی آشکاری است. (۸)

بکشید یوسف را یا آنکه او را در مکان دوری بیندازید تا پدرتان توجهش فقط به شما باشد و بعد از آن هم شما افراد صالحی خواهید شد. (۹)

گوینده‌ای از آن‌ها گفت: یوسف را نکشید، او را در میان چاه کم‌عمقی بیندازید تا بتوانند بعضی از کاروانها او را پیدا کنند، اگر می‌خواهید کاری بکنید. (۱۰)

به پدر گفتند: ای پدر، شما را چه شده که در خصوص یوسف به ما اطمینان نداری و حال آنکه ما قطعاً خیرخواه اویم؟ (۱۱)

او را فردا با ما بفرست تا غذای خوب بخورد و بازی کند و ما حتماً او را محافظت می‌کنیم. (۱۲) پدرشان گفت: من قطعاً از اینکه او را ببرید، محزون می‌شوم و می‌ترسم شما از او غافل شوید و او را گرگ بخورد. (۱۳)

گفتند: اگر او را گرگ بخورد، در حالی که ما قدرتمندیم، آن وقت حتماً ما خیلی زیانکاریم. (۱۴)

پس وقتی که او را بردند و با هم متحد شدند که او را در قعر چاه بیندازند و ما به او وحی کردیم که تو حتماً آن‌ها را به این کارشان با خبر خواهی نمود. ولی آن‌ها شعور نداشتند. (۱۵)

و شب نزد پدرشان آمدند، در حالی که گریه می‌کردند. (۱۶)

گفتند: ای پدرمان، ما وقتی رفتیم با هم مسابقه‌ای انجام دهیم و یوسف را در کنار اثاثیه خود گذاشته بودیم، او را گرگ خورد و تو حرف ما را باور نداری، اگر چه راستگو باشیم. (۱۷)

و پیراهن او را با خون دروغینی (که به آن مالیده بودند) آوردند. یعقوب گفت: بلکه هواهای نفسانی شما کاری را برای شما آراسته است. پس صبر خوبی باید کرد و در مقابل آنچه توصیف می‌کنید، از خدا یاری گرفته خواهد شد. (۱۸)

و کاروانی (در کنار چاه) آمد. پس آن‌ها سقّای خود را فرستادند (تا آب بیاورد) او وقتی سطل خود را در چاه انداخت (و بالا کشید) گفت: بشارت! این پسری است و او را به خاطر تجارت و فروختن پنهان کردند و خدا دانا است به آنچه می‌کنند. (۱۹)

و او را به قیمت کمی، چند درهمی فروختند و آن‌ها درباره فروختن او بی‌ رغبت بودند. (۲۰)

و کسی که او را از مصر خریده بود، به زنش گفت: از او خوب نگهداری کن. امید است فایده‌ای برای ما داشته باشد یا او را به فرزندی برداریم و این چنین یوسف را در زمین دارای امکانات قرار دادیم و برای اینکه به او علم تعبیر خوابها را بیاموزیم و خدا بر کار خود مسلط است، ولی اکثر مردم نمی‌دانند. (۲۱)

و وقتی به حد بلوغ و قدرتش رسید، به او حکمتی و علمی عطا کردیم و این چنین ما به نیکوکاران جزا می‌دهیم. (۲۲)

برداشت از آیات ۳-۲۲ (قصه حضرت یوسف علیہ السلام)

از این آیات برای سالک الی الله هفت پند وجود دارد که باید به آن‌ها دقت کند:

اول: سالک الی الله باید مسائل معنوی خود را حتّی به برادرانش اگر اهل تزکیه نفس نیستند نگوید، زیرا ممکن است آن‌ها حسادت کنند، او را تکذیب نمایند و موجبات ناراحتی او را فراهم بیاورند.

دوم: اگر کسی را دوست دارید و در چهره او نور معنویت مشاهده می‌کنید، در مقابل کسانی که اهل تزکیه نفس نیستند به او اظهار محبّت شدید نکنید. زیرا ممکن است حسادت آن‌ها حتّی سبب کشتن محبوب شما شود و او را از شما بگیرد.

سوم: به هیچ وجه به کسانی که اهل تزکیه نفس نیستند اعتماد نکنید و امانتی به دست آن‌ها نسپارید که پشیمان خواهید شد.

چهارم: گریه کسانی که دروغگو هستند و تزکیه نفس نکرده به هیچ وجه اعتبار ندارد و گفتارشان ولو با دلایل ظاهری معتبری باشد، ارزشی نخواهد داشت.

پنجم: در تمام مصائب تنها چیزی که ممکن است انسان را آرامش بدهد و به مقصد برساند، خوب صبر کردن و از خدای تعالی کمک گرفتن است.

ششم: افرادی که تزکیه نفس نمی‌کنند روز بروز بر قساوتشان افزوده می‌شود تا جایی که مثل یوسفی را به قیمت بسیار ناچیزی می‌فروشند و او را دزد و دروغگو معرفی می‌کنند.

هفتم: ظالمین و آن‌هایی که تزکیه نفس نکرده‌اند، فکر می‌کنند که با اظهار دشمنی با اولیاء خدا به آن‌ها صدمه وارد کرده و آن‌ها را از بین می‌برند ولی غافل از آن که خدای تعالی به آن‌ها کمک می‌کند، علم و حکمت بیشتری به آن‌ها عنایت می‌فرماید و به نیکوکاران جزای وافی می‌دهد.